

الحكمة والأقضية

المجموعه الكامله ماصنفه تفتها للذي بحول الله ووردي

الحمد لله الذي جعلنا

تكملة الشيخ افاضه الفقه

فتاوى وفتاوى

الاستاذ اية الله علي العابدتي شافعي

واضافات

جاءه من الامام الشافعي

فتاوى وفتاوى

محمد ملكي (جلال الدين)



دانشگاه اویان و مذاهب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرشناسه	: السهروردی، شهاب الدین یحیی بن حبش، ۵۴۹-۵۸۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: الحکمة الاشراقية: (المجموعة الكاملة لمصنفات شهاب الدین یحیی بن حبش) / -، یحیی، تحقیق و تصحیح: محمد ملکی (جلال الدین).
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، - قم: انتشارات دانشگاه اویان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ج ۱۱. کتاب التفتیحات فی أصول الفقه.
فروست	: (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی): (انتشارات دانشگاه اویان و مذاهب: ۱۱).
شابک	: جلد یازدهم: 978-964-426-938-7 ؛ دوره: 6-978-964-426-584-6 ISBN
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
یادداشت	: عربی.
یادداشت	: ج ۱۱، ص ۶۵۶
موضوع	: فلسفه اسلامی، متون قدیمی تا قرن ۱۴.
موضوع	: اصول فقه، متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: ملکی، محمد (جلال الدین)، ۱۳۳۷ - مقدمه نویس، محقق، مصحح.
شناسه افزوده	: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
شناسه افزوده	: انتشارات دانشگاه اویان و مذاهب
رده بندی کنگره	: BBR۷۲۴ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۱۸۹/۱
شماره کتاب شناسی ملی	: ۲۷۱۸۱۰۲



دانشگاه ادیان و مذاهب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الحکمة الإلهية

(المجموعة الكاملة لم شهاب الدين يحيى السهروردی)
المجلد الحادی عشر: کتاب التثنية خاتمة، أصول الفقه

مؤلف: شهاب الدين يحيى السهروردی

تقديم، تحقيق و تصحيح: دکتر محمد ملكي (جلال ۶۰۰)

ناشران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگاه علوم انسانی • لغات فرهنگی

مدیر نشر: محمد روحانی و ناصر زعفرانی

ناظر چاپ: شهرام بردبار

آماده سازی: علی مصدق

حروف نگار و صفحه آرا: حسین ادیب

خوشنویسی: عباس عابدی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: دفتر تبلیغات

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۹۳۸-۷ شابک دوره: ۶-۵۸۴-۴۲۶-۹۶۴-۹۷۸

بها: ۴۸,۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب محفوظ است.

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

قم، پردیسان، روبه روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳-۳۲۸۰۲۶۱۰، (۰۲۵) ۳۲۸۰۳۱۷۱، (۰۲۵)

تلفن مرکز پخش و فروش: (۰۲۵) ۳۲۸۰۶۶۵۲

فروشگاه اینترنتی:

www.adyanbook.ir

www.urd.ac.ir

www.adyanbook.ir

press@urd.ac.ir

دلیل الموضوعات

پیشگفتار.....	۱۷
مقدمه استاد آیه الله علی عابدی شاهرودی.....	۵۹
نگاهی گذرا به بنایگاه علم أصول و فلسفه آن.....	۵۹
أصول اجتهاد عام و أصول فقه.....	۶۴
منابع اجتهاد عام و مذمع أصول فقه.....	۶۸
رده‌های مسائل أصول فقه.....	۷۲
[ایضاح ملاکات قرارات شرعی بر پایه اجتهاد امامیه].....	۷۷
[اصل‌های عملی چهارگانه از مسائل أصول فقهی می‌باشند].....	۸۴
[استدلال برای اثبات تعلق اصل‌های عملی به اصول فقه].....	۸۴
[نسبت ادله فقهی].....	۸۵
روش‌های اصول فقه.....	۸۷
[پرسش در باره روش اصول فقه].....	۸۹
ترکیبی بودن روش فقهی و اصول فقهی.....	۹۰
[شرح روش فقهی و اصول فقهی در اجتهاد و استنباط].....	۹۱
[نتیجه شرح روش فقهی و اصول فقهی در اجتهاد و استنباط].....	۹۱
اکنون روش‌های اجتهادی برای تحقق استنباط‌های فقهی.....	۹۶
تعریف و غایت فلسفه اصول فقه.....	۱۰۲
روش‌شناسی فلسفه اصول فقه.....	۱۰۶
[تتمیم ایضاح روش‌ها].....	۱۰۷
[ایضاح تمایز فلسفه اصول فقه از اصول فقه].....	۱۰۸
موقعیت فلسفه اصول فقه در اجتهاد.....	۱۱۱

١١٣	 منابع و أدلة فلسفه أصول فقه
١١٦	 ملاک های حجیّت و منجزیت در فلسفه أصول فقه
١١٩	 نتیجه بحث

كتاب التَّنقيحات في أصول الفقه

القسم الأوّل في أحوال تعرض للألفاظ بما هي ذوات معان،
للمعاني بما هي ذوات ألفاظ، وفي تقاسيم أحكام ولوازمها ومبادئها
وفيه فصول أربعة

١٣١	 الفصل الأوّل
١٣١	 في حقيق العامّ الخاصّ
١٣٥	 قاعدة
١٣٥	 «في الاعتبار، العقل والمعاني المفردة في الأذهان»
١٣٨	 قاعدة «في الواسط بين الوجود والعدم»
١٤٢	 قاعدة «المعنى المشترك موجد في الأذهان لا الأعيان»
١٤٤	 قاعدة «معنى الخاصّ»
١٤٥	 قاعدة «في الأمور اللاحقة بالعامّ»
١٤٦	 قاعدة
١٤٨	 «الحكم بعموم اللَّفظ في الأخبار والأوامر»
١٤٠	 قاعدة
١٤٢	 مباحثات
١٤٤	 مباحنة
١٤٥	 قاعدة اعلم أنّ الدلالات ثلاث
١٧٣	 «تنبيه في أقلّ الجمع»
١٧٥	 «مباحث الاستثناء»
١٧٧	 «الفرق بين الاستثناء والتخصيص والنسخ»
١٧٩	 «الاستثناء المستغرق والأكثر»
١٨٠	 «الاستثناء لجمال متعدّدة»

١٨٣	قاعدة في المطلق والمقيّد.....
١٨٧	الفصل الثّاني.....
١٨٧	في بقيّة إشاراتٍ إلى الأسماء وأقسامها وضرِب من المجمل والمبيّن ومجرى.....
١٩٠	قاعدة: «التّرادف وجهات البحوث في الاشتراك».....
١٩٣	«علاقات المجاز».....
١٩٨	«المجمل ودفع الاجمال عن حديث الرفع».....
٢٠٤	«الماهيّة عند فقدان الجزء والشّروط».....
٢٠٦	«اللفظ سند الردّ معنى ومعنيين».....
٢٠٨	«دوران لفظ بين المعنى الشرعي واللّغوي والحقيقي والمجازي».....
٢١١	ومما يذكر هاهنا البيان وتأخير البيان.....
٢١٤	حجّة أخرى لهم.....
٢١٦	حجّة أخرى لهم.....
٢١٨	«النّص والظاهر».....
٢١٩	فصل: «في موارد منع التأويل».....
٢٢٣	«المفاهيم ودلالة فحوى الخطاب».....
٢٣٣	الفصل الثّالث.....
٢٣٣	في الأمر والنّهي وما يتعلّق بهما من مباحثهم.....
٢٣٣	«تعريف الأمر».....
٢٣٥	«معاني صيغة الأمر».....
٢٣٧	«أدلّة القائلين بالتّدب والوجوب».....
٢٤١	«الأمر بعد الحظر».....
٢٤٢	«دلالة الأمر على المرة والتّكرار».....
٢٤٥	«دلالة الأمر على الفور أو التراخي».....
٢٤٧	«هل يحتاج القضاء إلى أمر مجدّد؟».....
٢٤٨	الاجزاء.....
٢٤٩	واجب الكفائي.....

٢٥١	مسئلة «الأمر مع العلم بانتفاء شرطه»
٢٥٥	مسئلة «التَّهْيِي والفساد»
٢٦٠	مسئلة «في اجتماع الأمر والتَّهْيِي»
٢٦٧	مسئلة «في التكليف والقدرة»
٢٧٠	«تكليف الكفَّار واشتراك الحكم»
٢٧٢	«الأمر يستلزم التَّهْيِي عن ضده»
٢٧٤	القول في بعض فروع الأمر
٢٧٤	«تَرْيِيف الواجب»
٢٧٧	«تنظير أحكام العقلي والشرعي»
٢٧٨	مسئلة
٢٨٠	«الواجب التَّعْيِي والتَّخْيِير»
٢٨٢	«تقسيم الواجب إلى مَسْع ومَضِيْق»
٢٨٥	«هاهنا فروع في اختلاط السَّندِ حَا بأجنبيَّة»
٢٨٥	[الفرع الأوَّل: الظن]
٢٨٦	[الفرع الثَّاني: الواجب]
٢٨٦	[الفرع الثَّالث: المباح]
٢٨٧	[الفرع الرَّابِع: النَّسخ]
٢٨٨	«مقدِّمة الواجب»
٢٨٩	خاتمة
٢٩٢	«الفرق بين العزيمة والرخصة»

القسم الثَّاني في أصول الأدلَّة الَّتِي هي مدارك أحكام الشرع وفيه فصول أربعة

٢٩٧	الفصل الأوَّل: في الأصلين الأوَّلَيْن وهما «الكتاب والسُّنة» وأمور تتعلَّق بهما
٢٩٧	«الأصل الأوَّل»
٢٩٨	القول في النَّسخ
٣٠٦	مسئلة «جواز النَّسخ قبل الفعل»

٣١٢	«شرطيّة البدل للنسخ»
٣١٥	«الزيادة على النص هل هو نسخاً»
٣١٧	«نسخ الكتاب بالسنة وبالعكس»
٣٢٠	«نسخ الحكم بقول الصحابي وبالقياص»
٣٢٢	«كيف يعرف النسخ»
٣٢٣	الأصل الثاني: سنة الرسول صلى الله عليه وسلم
٣٢٥	«تقرير الرسول ومراتب نقل الأخبار»
٣٢٧	«خبر الواحد جواز التقليد»
٣٢٦	«شروط الراوي»
٣٣٧	«نقل الحديث بالمعنى، اعتبار حديث مرسل»
٣٤٢	إشارة إلى ترجيحات في أخبار
٣٤٧	الفصل الثاني: في الإجماع والقياس ترتيباً بين أدلّة
٣٤٧	«الأصل الثالث: الإجماع»
٣٥٤	«الاعتداد بالعوام في الإجماع»
٣٥٦	«اختصاص الإجماع بعصر الصحابة»
٣٥٨	«مخالفة التابعين في عهد الصحابة»
٣٥٩	«قول الأكثر هل يعدّ إجماعاً»
٣٦٢	«إجماع السكوتي، وحكم الإجماع بعد انقراض عصره»
٣٦٦	«الإجماع بعد الخلاف»
٣٦٨	الأصل الرابع: القياص
٣٨٨	«أدلة القياص من الإجماع والسنة»
٣٩٨	ترتيب في بعض تقاسيم القياص
٤٠٠	«تقسيمات آخر للقياص»
٤٠٤	«دور القياص في القطعيات وفي الأسباب»
٤٠٦	«تعليل الحكم بعلمتين»
٤٠٨	«العلّة المركبة والتعليل بالعلّة القاصرة»

٤١١	الفصل الثالث: في تراحم أدلة وتخصيصات عموم ونحوها.
٤١٦	«العموم في الأفعال»
٤٢٠	«التخصيص وأنواع المخصصات»
٤٢٣	«تخصيص عموم القرآن بخير الأحاد وبالقياس»
٤٢٨	«تعارض العمومين»
٤٢٩	«التمسك بالعام قبل الفحص عن المخصص»
٤٣٠	القول في ترجيحات تجري في القياس
٤٣٧	الفصل الرابع: في بقیة أصول وموهومات أصول ونظر في الاجتهاد
٤٣٧	«استصحاب البرائة الأصلية»
٤٤٢	«قول الحاشي بنة أوليس بحجة»
٤٤٤	«الاستحسان والانصراف»
٤٥٤	القول في أمور تذکر في الاجتهاد
٤٥٤	«التخطئة والتصويب»
٤٦٤	«تعارض الأدلة وفقدان المربع وتقليد المجهود»
٤٦٧	«اجتهاد النبي واجتهاد أصحابه في عهد»
	القسم الثالث في بقايا مواقف أصولية هامة للاستدلالات والأسئلة
	وسبيل الانفصال عنها ونوردها على مراسم الاجتهاد وفيه فصول أربعة
٤٧٥	الفصل الأول: في المطالب وصور الحجج وما يناسبها وما يتعاضد بها
٤٧٥	«أدواة الطلب»
٤٧٦	«أقسام الحد والرسم وشرائطهما»
٤٨٧	القول على تركيب الحجج
٥٠٣	الفصل الثاني: في المشهور من التمسك بالنصوص وأسئلة وأجوبة تليق بها
٥١٠	«الاعتراضات على الاستدلال بالسنة والإجماع»
٥١٧	الفصل الثالث: في جمل من اصطلاحات المتأخرين وتعقيب له
٥١٧	تنقيح في تخصيص العلة تعقبات
٥٢٧	القول في كشف الغطاء عن العلة

٥٢٩	«عدم المضاف جزء للعلّة»
٥٣٥	معارضة أخرى
٥٣٩	الفصل الرابع: في إيراد الأسئلة على الوجه المشهور
٥٥١	القول في تعقبات أسئلة ومقترحات
٥٥٥	«مفترقات»
٥٥٥	«هل يحتاج الحكم في دوامه إلى علّة واستغناء الموجود عن المرجّح»
٥٥٩	اشتهر عن القوم أنّ التعليل بالمانع يستدعي قيام المقتضي
٥٦٠	«الدور سبقي والدور المعني»
٥٦٣	أهم مصادر التّأليف والتصحيح
٥٨٥	الفهارس

پیشگفتار

اگر یک نگاه گذرا به بلندای تاریخ پُرفراز و نشیبِ دانش و دانشمندان بیندازیم به نام فقیهانی بَر می‌آوریم که افزون بر آثار فقهی، آثاری بس آرجمند در فلسفه، اخلاق، کلام و علوم دیگر خلق کرده‌اند که هر یک در جای خود، بسی گران‌سنگ و گِره‌گشاست. از سوی دیگر، در همین نگاه، ام‌المسوفانی چون: پورسینا، شیخ اشراق، ملاصدرا، شیرازی، علامه طباطبایی، علامه بَی‌شاه‌رودی، و ده‌ها فیلسوف دیگر را می‌بینیم که آثاری گران‌سنگ در فقه، فلسفه، کلام و یاد دیگر علوم از خود به یادگار گذاشته‌اند، و باز متکلمانی چون: خواجه نصیرالدین رسی، ابو حامد غزالی، توسی را می‌یابیم که در فقه و کلام فلسفه، سرآمد روزگار خویش بودند و جُنین اندیشمندانی حکایت از جامعیت علمی شماری از بزرگان این سرزمین دارد که گوییم: «ایگاه علمی و حکایت زندگی آنان، حکایت دیگری است. اینان با فکر بلند خویش در بلندای بسیاری از علوم زمان خود به نظاره نشسته‌اند و کرانه‌های افق علوم زمان خود را در بر دیده‌اند و نامِ نامی آنان در سینه تاریخ علم، تا آفتاب بَر می‌آید و بَر می‌نشیند، می‌دَرسد.

اگر قلم کسی یاری کند و به بررسی احوال، آثار و تاریخ این اندیشمندان سُرگ بپردازد، خود کتابی پُربرگ و پُرافتخار خواهد شد، ولی افسوس که نه قلم نگارنده چنین توانی را دارد و نه هیاهوی زمانه، و نه این زندگی پُریب و تاب ماشینی، چنین حوصله‌ای را برای نگارنده رقم زده است تا بتواند به بررسی تاریخ این دسته از متفکران جهان اسلام بپردازد و نوشته جامعی را جمع و تدوین نماید.

در این جا تنها با تکیه بر نهانخانه حافظه و آنچه از آن جا به یاد دارد، به آثار عالمانی که چنین ویژگی دارد، اشاره و تفصیل را به عهده پژوهشگران بُرنا و فرهیخته ایران زمین وامی نهد که دل و دماغ چنین کارهایی را دارند.

ما اگر سپیده دم تاریخ علمی دنیای اسلام را در یک چشم انداز کلی بنگریم، در سده های نخستین به نام خلیل فراهیدی (۱۰۰ - ۱۷۵ق) برمی خوریم. این حکیم بزرگ و در عین حال ناشناخته، افزون بر این که یک حکیم و فقیه است، اثری شترگ چون «العین» بر عالم اللغه دارد، و جایگاه او در آن علم، جایگاهی بس بلندی است که می توان گفت: بسیاری از لغت شناسان دنیای اسلام در سایه او آرمیده اند، و شاهد این سخن آن جاست که کتاب العین، هنوز هم که هنوز است، از جمله دقیق ترین منبع در همین علم است. مهم ترین که، بزرگ ترین کتاب در علم نحو که منبع و مرجع تمام نحویان و ادیبان است، یعنی «الکتاب» بیوسه حاصل درس ها و اشارات اوست و در واقع سلسله لغت شناسان و زبان دانان به گونه خود را وامدار جناب خلیل فراهیدی می دانند.

از فراهیدی که بگذریم، به نام ابویوسف یعقوب ابن اسحاق کندی (۲۵۲ - ۳۲۰ق) که باید وی را نخستین فیلسوف جهان اسلام بشماریم، برمی خوریم، و هموست که به «فیلسوف عرب» شهرت دارد آثاری در علم هیئت ریاضیات، فلسفه و غیره از خود به یادگار گذاشته، ولی با کمال تأسف، بسیاری از رساله های وی از بین رفته است.

پس از کندی به نام بزرگ ترین و نخستین فیلسوف ایران زمین یعنی ابونصر فارابی (۲۶۰ - ۳۳۰ق) در دنیای اسلام برمی خوریم که افزون بر فلسفه و منطق، کتابی عظیم در موسیقی به نام «موسیقی کبیر» می نویسد. او که رئیس مشائیان در دنیای اسلام است در فنون مختلف زمان خود استاد به معنای واقعی بود، از علم سیاست گرفته تا موسیقی آثاری از خود بر جا گذاشته است.

از فارابی تا برآمدن پورسینا، آن فرزند پرافتخار و غرور آفرین ایران زمین، اندیشمندانی در دنیای اسلام رُخ نموده اند که هر یک جایگاهی بس ستودنی در

دانش‌های بشری دارند که بایستی در جای خود بررسی شود.^۱

از پس اینان پورسینای بزرگ (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) قدم بر جهان هستی می‌گذارد که از هر گونه معرفی بی‌نیاز است و آثار گونه‌گون وی در علوم مختلف از طب گرفته تا فلسفه و منطق و ریاضیات، در سیاهه آثارِ گران سنگ آن حکیم الهی دیده می‌شود. این آثار گونه‌گون خود گواه و دلیل روشن بر جامعیت این حکیم الهی است.

از پس پورسینا نیز، کسانی برآمدند و برشدند و دفتر هستی خود را با علوم گونه‌گون نگاشته‌اند که امروزه اگر نگوییم بسیاری از آثار آنان، دستکم شماری از آثار این حکیمان و الاهی دانان بزرگ، در گوشه و کنار کتابخانه‌ها در غم غربت خود غنوده‌اند، تا دست مهربان پژوهشگران دلسوز و توانمند، چون بُرنایان فرهیخته ایران زمین، دست نوازشی بر سر آن‌ها بکشد و برپا تو حیح علمی و عالمانه این آثار گرانقدر را، گویی حاصل عمر دانشمندان دلسوز سرزمینِ عزیزمان ایران و معارف اسلامی است، احیا کند تا آیندگان از زلال اندیشه آن عالمان از دست رفته، بهره‌بردار شوند.

از پس این افتخارآفرینان، نوبت به فرزند این سرزمین پرافتخار توس می‌رسد. در این سرزمین، اندیشمندانی رُخ نموده‌اند که بسیاری از آنان، از افتخارات ایران زمین به شمار می‌آیند. از حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی (۲۹۱ - ۱۰۱۰ ق) گرفته تا خواجه نصیرالدین توسی از افتخارات این سرزمین‌اند.^۲

شیخ توسی (۳۸۵ - ۴۳۶ ق)، آن فقیه بنیان‌گذار حوزه بزرگ نجف، که عمری در تبیین فقه و اصول گذراند، کتابی جامع در علم کلام به نام تمهید الأصول نوشته که

۱. همانند: حکیم محمد بن زکریای رازی؛ ابوالحسن شهید بن حسین بلخی؛ ابوالحسن عامری نیشابوری؛ ابوعلی احمد بن یعقوب مسکویه رازی؛ حکیم و ریاضیدان ابوریحان بیرونی و....

۲. افتخارآفرینان این سرزمین عبارت‌اند از: شیخ توسی آن فقیه سترگ شیعی، خواجه نصیرالدین حکیم توسی؛ سخن‌دان بزرگ حکیم ابوالقاسم توسی؛ ابوحامد غزالی توسی؛ احمد غزالی توسی؛ خواجه نظام الملک توسی؛ علاءالدین توسی؛ و ده‌ها توسی دیگر.

اساس و منبع علمی و قابل اعتمادی برای اصحاب کلام به شمار می آید.

امام الحرمین جوینی (۴۱۹-۴۷۸ ق)، فقیهی و ارسته، و عارف از دنیا رسته، افزون بر رساله های کلامی و فقهی، کتابی به نام البرهان في أصول الفقه دارد، که مورد مراجعه و اعتماد علمای علم اصول است.^۱

یکی دیگر از این اندیشمندان سرزمین توس، أبو حامد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ ق) است که آثاری در فقه، فلسفه و کلام و اخلاق دارد که جامعیت این بزرگ مرد را در دانش زمان خود، به رُخ عالمیان می کشد. این دانشور سُترگ، افزون بر کتاب عظیم احیاء علوم الدّین،^۲ رساله هایی در علم کلام و فلسفه و عرفان می نویسد، و نیز افزون بر این آثار، اثری ماندگار با عنوان المستصفی من علم الأصول را در سال های پایانی عمر خود، یعنی ۵۰۳ ق می نویسد. وی، بتکالیفات که در این اثر ارائه داده بر معاصران و پسینیان خویش تأثیر بسزایی گذاشته است.^۳

خواجه نصیر الدّین توسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) عظمت این بزرگ مرد جهان اسلام، بر کسی پوشیده نیست. هموست آثاری بس گرانقدر و گرانسنگ در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات، فلکیات و اخلاق خلق کرده است، که همة ایشان از جامعیت این بزرگ مرد علم و سیاست و اخلاق دارد. دوراندیشی و درایت در علم و سیاست این حکیم الهی، مسلمانان به ویژه شیعه و سرزمین های اسلامی را تا آن جا که ممکن بود از دست تظاول

۱. این کتاب از سوی عبدالعظیم محمود الدّثب تحقیق و دار الوفاء لطباعة و النشر این اثر را در سال ۱۴۱۲ ق در دو جلد چاپ و منتشر کرده است.

۲. این اثر سُترک با تحقیق محققان گوناگون از سوی انتشارات مختلف چاپ و منتشر شده است. در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، مدخل «احیاء» این اثر جاودانه به خوبی و عالمانه معرفی شده است.

۳. او به سال ۵۰۵ ق در تابران توس درگذشت و در همان جا نیز مدفون شد. نگارنده در قالب مقاله ای چگونگی یافتن قبر غزالی را در سال های پایانی دهه شصت در روستای تابران گزارش کرده است.

قوم وحشی مغول نجات داد.^۱

از سوی دیگر، در سرزمین دیگری از سرزمین های اسلامی، متکلمی فقیه به نام شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳ ق) با به عرصه هستی می گذارد و در دانش های چون فقه و کلام، علم الحدیث، رجال و درایه یگانه روزگار خود می شود که با وجه غالب، از جمله اصحاب کلام به شمار می آید. آن فقیه فهیم شیعه افزون بر کلام، آثاری در فقه و حدیث می آفریند که نیمی کلام و فقه به شمار می آید.^۲

سید مرتضی، علم الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق) آن فقیه دقیق النظر شیعی در سده چهارم - پنجم هجری، افزون بر کلام و فقه، کتابی عظیم در علم اصول به نام: الذریعة إلى أصول الشریعة،^۳ می نویسد و همین اثر است که الگو و راهگشایی عالمان دیگر، در علم اصول شده است.^۴

۱. گرچه پیش از این که این مرد بزرگ آید، ما ولان آشنا شود، آنان بخشی از خاک این سرزمین را اشغال و جنایت ها کردند.

۲. نقل است: شبی شیخ مفید در خواب می بیند، درب حات خاهاش باز شد، حضرت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، دست دو فرزند خود «امام حسن و حسین، علیهما السلام» را گرفته وارد خانه شد و رو به شیخ کرد و گفت: ای شیخ، این دو فرزند مرا علم دین بیاموز. شیخ را هر که آن حضرت از خواب پرید و بیدار شد، به فکر فرو رفت که تعبیر این خواب چیست و چه سزای آن به ته است، تا این که صبح فرا رسید، به ناگاه دید درب منزل باز شد، مادر «سید مرتضی و سید رضی» دست دو فرزند خود را گرفته وارد خانه شد، گفت: یا شیخ، این دو فرزند مرا علم دین بیاموز، خواب شیخ تعبیر شد و زان پس، در تربیت آن دو ذره ای کوتاهی نکرد. خدا یا چنین مادری چنان فرزندانی و آن چنان استادی. آیا می توان تصوّر کرد حوزه های ما در این زمانه نیز چنان استادی و چنان شاگردانی تربیت کند و....

۳. این اثر فخیم را زنده یاد، استاد دکتر ابوالقاسم گرجی تحقیق و تصحیح کرده و انتشارات دانشگاه تهران آن را چاپ و منتشر کرده است.

۴. در بین آثار اصولی، کتاب التفتیحات فی اصول الفقه، شهرزوری را می توان در اصول شیعه با الذریعه، و در اصول اهل سنت با مختصر ابن حاجب مقایسه نمود.